

انشاء فارسی

بقلم آقای لطنعلی صورنگر

۱

اگر تعریف انشاء فن ابراز مقاصد و نیات بوسیله نوشتن باشد بایستی اقرار کرد که یکنفر شاگرد مدرسه جوان و بی تجربه یا یک پسر کشاورز حق دارد تکلیف انشائی خود را با همان کلمات و جمله‌هایی که در کوچه و بازار یاد میدان بازی بارفقای خویش صحبت میکند انجام دهد، زیرا این جمله‌ها همواره روشن و صریح و زبان‌دار و موجز است. امثال و استعاره‌هایی که در آن بکار رفته هر چند از نعمت فصاحت بهره‌مند نیست باز دارای یکنوع زیبایی و لطف کامل است و دلیل این همه اینکه همبازی‌های او از بیان وی درک مقصود میکنند، از لطیفه‌های او می‌خندند و استعاره‌ها و مجاز‌هایی که در بیان خود بکار میبرد در نظر هیچکس بیگانه و ناجای جلوه نمیکنند.

با وصف این وقتی آن جمله‌ها و عبارات روی کاغذ آمده و بعنوان یک تکلیف انشائی بمعلم داده میشود فوق العاده ناتمام و ناپخته و زشت بنظر می‌آید و بدون تردید غیر از اشتباهات املائی و صرف و نحوی و بدی خط دارای نواقص دیگر هم هست یعنی غالباً پیچیده و غیر مؤثر و احیاناً مضطرب و نامفهوم خواهد بود.

این نواقص از آن نظر نیست که میزان ادراک و حسن سایقه آموزگار از سطح ذوق و ادراک شاگرد بالاتر بوده و نمیتواند لطف و زیبایی یک کار کودکانه را درک کنند زیرا اولین وظیفه آموزگار آنست که دائره اطلاعات و ادراکات خویش را تا میزان فهم و ذوق شاگرد جوان تنزل بدهد و در اندازه گیریهما و انگاردهای او ذی‌علاقه باشد. اساس این نقص در آنست که شاگرد خواسته است موضوعاتی را که بزنگانی اعتیادی او تماس مستقیم ندارد برشته تحریر بیاورد و همان وسیله را که در فهمانیدن مقاصد عادی خویش داشته در بیان این موضوعات بکار برده است، در صورتیکه بیان فعلی او تمام آن تباری‌ها و اصطلاحاتی را که در مکالمه عادی بین شاگردان موجود است از کف داده و ثروت طبیعی استعارات و مضمون‌ها و تناسب‌ها را فاقد شده است.

البته تردیدی نیست که موضوعات انشائی که بشاگرد جوان داده میشود نباید هیچوقت از حدود اطلاعات و تجربیات معمولی و اعتیادی او تجاوز نماید ولی درین هم تردیدی نیست که شاگرد موظف شده است يك سلسله اطلاعات و مطالب را آنطور برشته تحریر در آورد که گوئی معلم بر آن واقف نبوده و اینک برای نخستین بار می خواهد از آنها آگاه شود و مجبور است جمل منظم که طول و شکل و ترتیب آن برای وی تعیین شده بکار برده آن جمل را بقسمت های متعددی تقسیم نماید و ضمناً از مجموع آن جمل يك وحدت و جامعیت مشخصی هم بدست بیاورد و چون از دائره اعتیادات فکری و بیانی خویش خارج شده آن لطف و زیبایی را که ملازم تمرین و چیره دستی است پیدا کرده است. برای اینکه شاگرد مدرسه بدست نوشتن آشنا شود خبره های فن دو وسیله بدست میدهند اول آنکه شاگرد را باید عادت داد که ادبیات درجه اول یعنی آثار ادبی فصیح و زیبار از یاد مطالعه کند. ثانیاً باید او را تمرین داد که جزئیات موضوع یا طلبی را که در صدد تحریر آنست بشخصه مورد تحقیق و کشفکاری قرار دهد زیرا اینطور گفته می شود که علم و اطلاع اجتهادی در موضوعات طبعاً بیان خوب و فصیح را ایجاد خواهد نمود.

وسیله اول یعنی مطالعه آثار ادبی درجه اول و حتی استماع سخنهای فصیح نویسنده جوان را بحسن بیان و لطف تعبیر رهبری میکند، چنانکه به تجربه پیوسته است شاگردانی که در خانواده های خوب تربیت شده و با مردمی سروکار دارند که میزان فکرشان از حدود افکار عامیانه تجاوز مینماید هم در حسن گفتار و هم در لطف تعبیر بر سایر همدرسه های خویش یکنوع برتری مخصوصی دارند. ولی این وسیله يك وسیله قطعی نیست زیرا اکثریت شاگردان جوان باینگونه محافل و آثار فصیح و کتب مهمه دست رسی نداشته و دائره مطالعاتشان از آنچه در مدرسه با صدای بلند قرائت میشود یا به کتبی که معلم قرائت آنرا بعنوان تکلیف برای آنها معین می نماید تجاوز نمیکند.

فایده وسیله دوم فوق العاده مشکوک است زیرا به تجربه رسیده است که آنها که جزئیات موضوع را زیاد موشکافی نموده و آنرا مورد تجزیه قرار می دهند طبعاً نمیتوانند جمال کلی را دریابند و در باب آن بحث کنند، این نکته بالخصوص در مورد آن کسانی که در علوم و فنون تخصص پیدا میکنند مشهود است چنانکه بموجب احصائیه

دقیقی که در انگلستان بدست آورده اند کمتر اتفاق می افتد که یک نفر طبیب یا جراح بتواند يك مرأسله زیبا و دلپذیر بنگارد و غالباً در ادای مقاصد خویش جز آنچه مربوط بحرفه اوست ناتوان است. با این کیفیت تنها وسیله مفیدی که برای معام باقی می ماند همان انتقاد و خرده گیری است ولی بدان شرط که این عیب جوئی بطور کلی بعمل آمده و بيك شاگرد مخصوص متوجه نباشد و بعلاوه در کلاس هم این میل بخرده گیری را در میان شاگردان تشویق نمایند که هر يك اثر فکری دیگری را انتقاد کند.

وقتی از بحث اساسی در باب طرز تحریر گذشته وارد جزئیات بشویم اولین موضوعی که بایستی مورد توجه واقع شود قضیه صرف و نحو است یعنی باید دید آیا دانستن صرف و نحو زبان فارسی برای شاگرد قبل از آنکه بتحصیلات عالیہ در ادبیات فارسی وارد شود ضرور است یا نه.

بطور کلی تنها موضوعی که میان شاگردان از تمام موضوعات درسی کمتر قبول عامه دارد همین قسمت صرف و نحو زبان است که شاگردان بانهایت بی رغبتی بدان میگریند و غالباً حضور در سر کلاس صرف و نحو و انجام تکالیف مربوطه بآن و خصوصاً قسمت تجزیه و ترکیب را با گرفتگی خاطر و بی میلی مفرط انجام میدهند و باید تصدیق نمود که شاگردان در این بی میلی بی حقی نبوده و کراهشان دلائل منطقی دارد، زیرا واقعاً فرا گرفتن صرف و نحو يك زبان قبل از آنکه کسی در آن زبان تسلط کامل پیدا کند مانند آنست که بنائی را مجبور کنند اول شیشه و پنجره و سقف خانه را بسازد و پس از آن شالوده و پایه را بنا کند، و البته نمیتوان تردید داشت که آنچه در آغاز برای شاگرد مدرسه ضرور است قوه ساختن جمل و عبارات است و در مرتبه دوم تجزیه و حلاجی آن جمل ضرورت پیدا میکند.

باین حساب اصرار و سماجت در تعلیم صرف و نحو به تفصیل و اطناب، ذوق ادبی و قوه تحریر شاگرد را کم میکنند و ترکیبات انشائی او را بیجان و کم رعمق و خشک میسازد تا آنجا که نوشته های او جبراً از يك سلسله جمله بندیها و حتی کلماتی که در شواهد کتاب صرف و نحو بآن آشنا شده تبعیت خواهد نمود و این تقلید غیر مفید قوه ابداع و غیره تفکر و احساس شاگرد را بثر مرده و ضعیف می نماید.

علتی که برای ضرورت تدریس صرف و نحو گفته میشود این است که این قسمت قوه قبول یکنوع نظم و ترتیب و اطاعت بقوانین را در مغز طفل ایجاد میکند و اطاعت از قانون و ورزش در حسن انتظام، برای نگارش از همه چیز لازم تر است. این حرف درستی است اما نباید فراموش کرد که مجبور ساختن يك نویسنده باطاعت از نظم و ترتیب وقتی مؤثر است که این اجبار غیر محسوس باشد و طوری اعمال شود که بازادی فکر او سربار نباشد و بدین جهت بهتر آنست که قواعد و قوانین زبان در طی تصحیح انشاء یا خرده گیری از آن بشاگرد گوشزد بشود تا بتدریج تمام اصول لازمه صرف و نحو را در طی تمرین و آزمایش بذهن بسپارد.

البته بعضی از قواعد اساسی و اصلی زبان را شاگرد بایستی خیلی زود و مقدم بر همه چیز فرا بگیرد. مثلاً شاگردان کلاس های چهارم و پنجم لازم است اجزاء کلام را بیاموزند ولی مباحث پیچیده جمل مکمل و خصوصیات مسند و مسند الیه و محل آنها در جمل کار کلاس های دوم و سوم دبیرستانهاست.

آثار باستان

حفاریات شوش

در حفاریهایی که سال گذشته در خرابه های شوش بتوسط هیئت فرانسوی شده است آثار و اشیاء گرانبائی بدست آمده که از لحاظ تاریخ تمدن ایران اهمیت بسیار دارد. از آنجمله اسباب بازیهای کودکان و مهرها و مجسمه های کوچکی پیدا شده است که بر روی آنها خطوطی از چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح دیده میشود. همچنین در اطراف خرابه های معابدیکه ظاهراً از ۲۳ تا ۲۵ قرن پیش از میلاد است ظروف رنگین سیاه و قرمز و آلات طلا و نقره و اسلحه های مسی و امثال آن یافته اند و از آنجمله يك زوج کفش راحت بی یاشنه مسی در قبر دختر جوانی بدست آمده است. علاوه برین چهارصد لوحه از گل خام که متعلق به هزار تا دوهزار و یانصد سال پیش از میلاد است کشف شده که بر روی آنها خطوطی دیده میشود و البته خواندن این خطوط در روشن ساختن تاریخ قدیم ایران تأثیر فراوان خواهد داشت.

ظروف مرمر و گردن بندهای مروارید و طلا و یاقوت و امثال آن نیز بسیار کشف شده است و قسمت مهم این اکتشافات از محل شهر دور اوندازی است که نام آن در کتیبه های آشوری نیز برده شده و آشور بانی پال آنرا در قرن هفتم پیش از میلاد تسخیر و غارت کرد.